



بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در جلسات گذشته مباحث فقه التریبیه را به دو بخش کلی تقسیم کردیم که بخش اول مباحث تعلیم و تعلم و علوم و دانش ها بود و بخش دوم تربیت به معنای خاص در مقابل تعلیم بود که در این بخش از مباحث تا تربیت خانوادگی بیان شد و فعلاً بحث ما در تربیت خانوادگی است یعنی رسالت و مسئولیتی که در امر تربیت در مقابل تعلیم و تعلم بر دوش خانواده است.

تربیت جسمی و مادی فرزندان

بحثی که می‌خواهیم شروع کنیم در حقیقت بحث تربیت جسمی و مادی فرزندان یعنی رسیدگی‌ها و سرپرستی نسبت به رشد جسمانی و نیازهای طبیعی و مادی فرزندان است .

در این قلمرو می‌خواهیم ببینیم چه مسئولیت‌هایی در حوزه خانواده وجود دارد؟ یعنی مسئولیت خانواده در قبال رشد جسمی و تأمین نیازهای مادی فرزندان اعم از بحث‌های تغذیه‌ای و پوشاک و ... چیست ؟
در این بحث، اصل اینکه این مسئولیت بر دوش پدر و مادر نهاده شده و باید این نیازها را تهیه کنند و نسبت به کودکان و بچه‌هایی که در شرایطی نیستند تا بتوانند متکفل امور خودشان باشند ، اسلام مسئولیتی الزامی و در حدودی ترجیحی بر دوش خانواده گذاشته است و فی‌الجمله از امور مسلم خانواده است و لیکن این بحث در فقه جایگاه مهم و برجسته‌ای دارد که به عناوین آن اشاره می‌کنیم:

چند عنوان مهم در فقه ما است که به این بحث ربط دارد و هر کدام از این عناوین که در فقه دارای بحث‌های مفصلی است. کلیات بحث را مطرح می‌کنیم و تفصیل آن را به جاهایی که در فقه بحث شده احاله می‌دهیم و درباره مابقی مواردی که بحث نشده است به همه زوایای آن خواهیم پرداخت.

عناوین مهمی که در این بحث وجود دارد حداقل سه عنوان مهم است :

الف. رضاع یعنی شیر دادن ب. حضانت یعنی سرپرستی امور کودک ج. نفقه

خانواده و مسئولیت خانواده در قرآن

این سه واژه محور و عناوین کلیدی در فقه ما هستند که با بحث ما مرتبطاند و در قرآن آیاتی که به این بحث ربط دارند چند آیه است که بحث خواهیم کرد. در قرآن همان آیات قبل که در بحث های خانواده و مسئولیت خانواده بحث کردیم، در این بحث نیز مطرح است.

بیان رضاع در آیه ۲۳۳ سوره بقره

یکی از آیات، آیه ۲۳۳ سوره بقره است که مفصل درباره آن صحبت شده و از آن در مورد رضاع نیز استفاده خواهیم کرد. این آیه ای است که به این مسئولیت اشاره دارد که شامل بحث رضاع و بحث های تربیتی، جسمی و تأمین نیازهای مادی هم می شود.

«وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ» بقره/۲۳۳.

این جمله که لا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ آیه ای است که به طور مفصل بحث کردیم اما در این آیه دو احتمال است یکی اینکه وَالِدَةٌ و مَوْلُودٌ فاعل لا تُضَارَّ باشند یعنی ضرر نرساند مادر به فرزندش و پدر به فرزندش و یکی اینکه تُضَارَّ فعل معلوم است و وَالِدَةٌ و مَوْلُودٌ فاعل آن است و کودک مفعول آن می شود و احتمال دیگر این بود که لا تُضَارَّ مجهول باشد یعنی به خاطر کودک به مادر ضرر رسانده نشود و زن و شوهر به خاطر کودک همدیگر را آزار ندهند که بنا بر احتمال دوم این آیه بیشتر مربوط می شود به روابط بین زن و شوهر یعنی به خاطر رعایت کودک نباید زن و شوهر حقوق همدیگر را زیر پا بگذارند. مثلاً به خاطر بچه تمکین نکنند. بنا بر احتمال اول پدر و مادر نباید به کودک ضرر برسانند یعنی بنا بر دلالت التزامی باید پدر و مادر رسیدگی هایی کنند که کودک متضرر نشود یعنی هر چه که موجب ضرر و زیان کودک در جسم و تغذیه و شرایط جسمی و روحی می شود حرام است و باید کاری کنند که به کودک آسیب نرسد و نیازهای جسمی و مادی او را تأمین کنند.

بیان رضاع در آیه ۶ سوره طلاق

آیه دیگر آیه ۶ سوره طلاق است که قبلاً مفصل بحث شده است. محور سوره طلاق بیشتر نساء مطلقه است.

«أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلًا فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَآتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى» (طلاق/ ۶)

هر جا که خود سکونت گزینید آنها را نیز به قدر توانایی خود مسکن دهید. و تا بر آنها تنگ گیرید میازاریدشان. و اگر آبستن بودند، نفقه‌شان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر فرزند شما را شیر می‌دهند، مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید. و اگر به توافق نرسیدید، از زنی دیگر بخواهید که کودک را شیر دهد.

این آیه هم بنا بر بعضی از احتمالات به بحث مرتبط است و آن احتمال این است که «وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ» یعنی با یکدیگر مشورت و همکاری کنید تا اینکه کودک با معروف اداره شود و رشد کند حتی کودکی که طلاق داده شده است. در بِمَعْرُوفٍ مقصود این است که اِتِمَارٌ به معروف برای رشد کودک است و این همکاری به معروف هم نه فی حد نفسه در روابط زن و شوهر بلکه در ارتباط با فرزند است. اگر این دو احتمال را قبول داشته باشیم معنای آیه این طور می‌شود که شما همکاری و همدلی داشته باشید برای اینکه کودک در احسان و معروف خوب رشد کند البته این آیه بحث جسمی را هم شامل می‌شود.

آیه ۶ سوره تحریم

اما آیات دیگر با بحث جسمی زیاد مرتبط نیستند مثل آیه ۶ سوره تحریم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...» که بیشتر ناظر به ابعاد روحی و معنوی و اخلاقی است نه بعد جسمی و... مگر اینکه رشد جسمی مقدمه‌ای برای حفظ شخص از گناه و معصیت باشد.

بنابراین در آیات قرآن این سه آیه خیلی مهم است:

الف. آیه مضاره ۲۳۳ بقره؛

ب. آیه اعتمار ۶ طلاق؛

ج. آیه وقایه ۶ تحریم.

هر کدام از این ها بنا بر احتمالی با بحث ارتباط دارند که آیه اول و دوم بنا بر وجوه تفصیلی و احتمالی کاملاً ارتباط دارند و آیه سوم در بعضی موارد می‌تواند با رسیدگی‌های جسمی ارتباط پیدا کند. گذشته از این آیات، ما قواعد عامه‌ای داریم که در فضای خانواده مصداق پیدا می‌کنند و فقط در خصوص فضای خانواده نیستند. البته اصل، حرمت



اضرار به دیگری است که ضرر رساندن به موجود دیگر جایز نیست که یکی از این اضرارها در خانه برای پدر و مادر است.

مباحث مربوط به خانواده در فقه

اما به طور خاص در فقه چه موضوعاتی بررسی می‌شوند؟ در فقه یکی رضاع یعنی شیر دادن است که در حد اصل قضیه بحثی خواهیم داشت و تفصیل آن را در کتاب نکاح مطالعه خواهید کرد. کتاب موسوعة الاحکام الاطفال و ادلتها که سه بحث گفته شده در آن آمده است و همه آنها هم در کتاب نکاح آمده که از صفحه ۲۲۹ شروع می‌شود و تا اواخر کتاب ادامه دارد.

رضاع و وظیفه والدین نسبت به آن

اولین بحث در تربیت جسمی و توجه به ابعاد تأمین نیازهای طبیعی اطفال همان بحث رضاع است که چند نکته است:

۱- وظیفه پدر و مادر در شیر دادن

یک نکته اینکه در شیر دادن وظیفه پدر و مادر چیست؟ وظیفه مادر همان است که در آیه ۲۳۳ سوره بقره آمده که جمله خبریه‌ای در مقام انشاء است که خوب است کودکان را دو سال شیر دهند و ...

امر رضاع نسبت به مادر مستحب مؤکد است

در مورد مادر آن چه که از ادله اثبات شده است در حد استحباب مؤکد است و در وجوب شیر دادن استفاده نمی‌شود. چه در این آیه و چه در روایاتی که در بحث رضاع است از جمله خود این آیه است که بیش از استحباب را نمی‌رساند ولو این که جمله خبریه در مقام انشاء ظهور در امر پیدا می‌کند و اگر قرینه‌ای نباشد ظهور در وجوب پیدا می‌کند یعنی جمله خبریه‌ای در مقام انشاء آکد در وجوب است و این طور نیست که از آن حکم الزامی استفاده شود. در کتاب نکاح در صفحه ۲۲۹ به این حکم اشاره می‌کند که در فقه شیعه رضاع مادر نسبت به فرزند اجماع است که واجب

نیست بلکه مستحب است. اما در فقه عامه مثل مالکی و ... اختلاف است و بعضی می‌گویند واجب است و بعضی می‌گویند مستحب است و ادله‌ای را ذکر کرده‌اند.

بعد می‌گوید يُسْتَفَادُ مِنْ ظَاهِرِ الطَّلَبِ بِه قَوْلِي وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنَ كَامِلَيْنِ أَنَّ الرُّضَاعَ وَاجِبٌ عَلَى قَوْمٍ می‌گوید این آیه جمله خبریه‌ای در مقام انشاء است که نه تنها دلالت بر وجوب می‌کند بلکه آكد در دلالت بر وجوب است و جوابی که داده این است که ما وَرَّ مِنْ الْإِدْلِهِ يُصْرَفُ ظَاهِرُ الطَّلَبِ الْمُصْطَفَى مِنَ الْآيَةِ عَلَى الْإِسْتِحْبَابِ جَمْعٌ بَيْنَ الْإِدْلِهِ که می‌گوید اگر ادله قبلی را ببینید و با این جمع کنید باز حمل بر استحباب می‌کنید. نکته اصلی این است که قبل از این که ادله‌ای در کار باشد خود این آیه دلالت بر وجوب نمی‌کند چون در آیه دو قرینه وجود که دلالت بر وجوب نمی‌کند. اول اینکه در آیه شیر دادن مطلق نیامده بلکه شیر دادن حولین آمده یعنی هیچ کس قائل به واجب بودن و شیر دادن حولین کاملین نیست این خلاف اجماع و ارتکاز متشرع است اگر این چنین بود باید شیر دادن کامل خیلی وقت قبل جا افتاده باشد و این خلاف ارتکاز متشرع است. از اول تا به حال ارتکازات در فهم ادله خیلی مهم بوده است به عنوان مثال در نماز جمعه ادله مفیده و وجوب عینی نماز جمعه تقریباً تمام است یعنی برای کسی که واجد شرایط باشد واجب است به خصوص جایی که اقامه شود اما یک نکته بسیار مهم که جلوی وجوب را می‌گیرد این است که هر واجد شرایطی در هر جایی برایش واجب عینی بوده که در نماز جمعه شرکت کند که این با ارتکاز متشرع سازگار نیست و اگر این امر سنت و سیره بود باید خیلی واضح‌تر گفته می‌شد و در اذهان جا افتاده شده باشد و چیزهایی که گفته شده تأکید بسیار زیاد برای شرکت در نماز جمعه است یعنی این برخورد فضای ارتکازی متشرع و آن چه که در تاریخ در جریان بوده است در برابر مسئله‌ای که واجب مؤکد عینی این چنینی بوده، نمی‌تواند باشد که البته این یک دلیل محکم نیست که بنده خودم همه آن را قبول داشته باشم. اگر حولین کاملین واجب بود باید بیشتر از این‌ها در اذهان جا می‌افتاد در حالی که اجماعی است.

۲- تعلیق الحکم علی اراده المکلف

نکته دوم این که لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرُّضَاعَةَ حُكْمُ الزَّامِي بِه اراده و اختیار مخاطب و مکلف محول نمی‌شود مثلاً در بحث مواسات خیلی روایات آمده بود که در غیر از بحث خمس و زکات فی أموالهم حق معلوم؛ و مؤمن باید مواسات داشته باشد و نگذارد فقیری در جامعه باشد و نباید با دیگران تفاوت داشته باشد این جا می‌گوید وَ الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنَ كَامِلَيْنِ که دلالت بر الزام می‌کند ولی بعد می‌فرماید: لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرُّضَاعَةَ یعنی برای کسی که می‌خواهد رضاع را خوب تکمیل کند تعلیق حکم الزامی به اراده مکلف نمی‌شود یعنی خلاف ظاهر عرفی است و تعلیق بر

اراده مکلف قرینه است بر این که آن الزامی نیست و این یک قاعده است که تعلیق الحکم علی اراده المكلف قرینه علی عدم کونه الزامیه که این دو قرینه حکم الزامی را از بین می برد.

۳- محدوده دلالت آیه

نکته سوم این است که اصلاً آیه کاری به اصل رضاع ندارد این آیه می گوید رضاع به این شکل مستحب مؤکد است و آیه به واجب یا مستحب بودن اصل رضاع توجه نمی کند. این آیه و سایر آیات که راجع به رضاع در قرآن است مفروضشان این است که یک رجحان وجود دارد. «لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا» بقره/۲۳۳ یعنی کسی که می خواهد دو سال شیر دادن را تمام کند تا جایی که می تواند شیر بدهد. این آیه می خواهد بگوید که مستحب است که رضاع کامل انجام شود البته می شود از این استحباب اصل رضاع را فهمید. در وسائل در ابواب احکام اولاد باب ۷۱ راجع به رضاع روایاتی آمده که بیش از رجحان و استحباب چیزی از آن ها استفاده نمی شود. پس وظیفه مادر رضاع است اما رضاع مستحب است اصل و حولین آن مستحب فی المستحب است. بعضی فقها گفته اند لباع یعنی شیر اول واجب است منتها هیچ دلیل و روایتی نیست و این که گفته اند واجب است این است که بعضی ها می گویند شیر اول شیری است که اگر بچه نخورد می میرد یا ضرر می بیند که این گفته ها ثابت شده نیست بنابراین اصل وظیفه مادر استحباب است و تبصره و استثنایی که دارد این است که جایی که شیر ندادن مادر موجب ضرر بچه شود باید شیر بدهد و الزامی است.

وظیفه پدر در امر رضاع و تغذیه کودک

بحث دوم وظیفه پدر است وظیفه پدر این است که غذای متناسب با نوزاد به او برساند و لازم نیست که حتماً شیر مادر را به او بدهد بلکه می تواند شیر مادرش را به او بدهد و اجرت را به مادر پرداخت کند و یا اینکه اجیر بگیرد که این وظیفه پدر است که دلیل آن را در جلسه بعدی عرض خواهیم کرد.